



**کارگران جهان متحد شوید!**

شماره ۸۱ - ۱۵ اسفند ۱۳۸۶



**سازمان اتحاد فدائیان کمونیست**

## به استقبال ۸ مارس میرویم

## گرامی باد صدمین سالگرد هشت مارس روز جهانی زن

۸ مارس، روز جهانی زن همچون چند سال اخیر قبل از اینکه بهانه ای برای جشن و گرامیداشت این روز باشد، باید فراخوانی برای ادامه و تشدید مبارزه علیه سرکوبهای گسترده و دستگیریها و در بند کشیدن فعالین کارگری و دانشجویان مبارز و کل زندانیان سیاسی در کنار مطالبات و خواسته های دموکراتیک و اعاده حقوق پایمال شده زنان ایران باشد.

ادامه در صفحه ۴

با فرارسیدن یکصدمین سالگرد ۸ مارس، روز جهانی زن، جنب و جوش وسیعی در سراسر جهان در کار است تا گرامیداشت این روز بزرگ هر چه باشکوهتر برگزار گردد.

شکوه و عظمت این روز در آن است که، زنان و مردان آزادیخواه، برابری طلب و سوسیالیست جهان در هر کجا که هستند در یک همبستگی جهانی همه مردم را به مبارزه برای رفع ستم و تبعیضات جنسی و سنت های ارتجاعی مرد سالار فرا میخوانند.

بزرگداشت روز جهانی زن مبین این واقعیت انکار ناپذیر نیز هست که علاوه بر مبارزه دو شادوش مردان و زنان کارگر و زحمتکش برای پایان دادن به استعمار طبقاتی،

ادامه در صفحه ۲



**دیگر بس است، نه به ستم علیه زنان، نه به مرد سالاری، آزادی زن آزادی زن!**  
**تظاهرات زنان در جنوب ترکیه شهر آدانا اول مارس!**

**برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی**

**سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی**

گرامی باد صدمین سالگرد هشت مارس روز جهانی زن

مبارزات زنان برای رهایی از ستم جنسی و سنت های ارتجاعی مرد سالار در جامعه جهانی از حقانیت تاریخی برخوردار است.

اگرچه به لحاظ تاریخی مبارزه زنان برای آزادی با پایه عرصه گذاشتن مبارزه بورژوازی علیه نهاد های کهنه فئودالی شکل منسجم تری بخود گرفت اما مارکسیسم و سوسیالیسم علمی اولین جریان علمی و اجتماعی بود که ریشه های اصلی ستم بر زنان را شکافت و مبارزه علیه آن را به صورت جدی و علمی و انقلابی آغاز کرد.

از همان ابتدا خواست ها و مطالبات پیشروان دموکراتیسم بورژوائی ائم از زن و مرد درباره حقوق زنان از حدود خواستهائی نظیر برخورداری زنان از برخی حقوق بورژوائی

اجتماعی آن به فراموشی سپرده شوند.

درعین حال اگر چه مارکسیسم و سوسیالیسم علمی برای اولین بار و بطور علمی ریشه های ستمکشیدگی زن را مورد بررسی قرارداد اما جنبش کمونیستی نیز در این زمینه دارای کمبود ها و انحرافات و عقب ماندگیهای بیشنی قابل ملاحظه ای را با خود حمل میکند که میباید با این ضعف ها و کمبود ها برخورد جدی صورت گیرد. بویژه این کمبود ها و انحرافات در جنبش کمونیستی ایران نیز زمینه تاریخی و فرهنگی بروز و جانسختی بیشتری را به همراه داشته است.

در ایران که از دیر باز ستمکشیدگی زنان و فرهنگ و سنت های ارتجاعی مردسالار بر مناسبات جامعه حاکم بوده است، جنبش زنان برای رهایی از ستم جنسی همزمان با گسترش اندیشه های سوسیالیستی از ابعاد گسترده و خواستههای پیشرفته ای برخوردار شد. برغم برخی محافل روشنفکری و بورژوا فمینیستی



که تلاش دارند با تحریف تاریخ و انگشت گذاشتن بر روی نقطه ضعف های جنبش کمونیستی جنبش زنان را در برابر جنبش کمونیستی و کارگری قرار دهند و با تکیه بر وجه جنسی ستم مضاعف و جه طبقاتی ستمدیدیگی زن را مخدوش و منکر شوند. مبارزه توأمان زنان زحمتکش و انقلابی ایران بر علیه ستم جنسی و طبقاتی مبین این واقعیت بوده است که این دو وجه از مبارزه را نمیتوان از هم جدا کرد و درعین حال خواستار برافتادن کامل ستم جنسی بر زنان شد. همچنین تاریخ مبارزه برای رهایی زنان از بند ستم جنسی و مردسالاری محشون از تلاشهای فداکارانه زنان و مردان کمونیستی است که گاه تمام هستی خویش را در راه رهایی از ستم در طبق اخلاص گذاشته اند.

تنها در فاصله ۱۳۵۰ تا ۵۶ یعنی در فاصله شش سال، بیش از ۴۰ زن ←

نظیر حق اشتغال، حق رای و حق تحصیل و غیره فراتر نرفت. حتی بعد از اعلام و تصویب این حقوق در قوانین اساسی این کشورها، اما ده ها سال طول کشید تا پاره ای از این حقوق شهروندی در عمل به مورد اجرا گذاشته شوند. تنها بعد از انقلاب اکتبر و رشد و گسترش جنبش کمونیستی و کارگری و مبارزات زنان و مردان بر علیه تداوم تبعیض و ستم جنسی بود که به تدریج و تحت فشار جنبش توده ای این حقوق در برخی از کشورهای سرمایه داری آن هم به شکل سرودم بریده ای بمورد اجرا گذاشته شدند.

حامیان اندیشه های سوسیالیستی غیر علمی و غیر طبقاتی نیز هیچگاه نتوانستند برخوردی ریشه ای به ستمدیدیگی زن داشته باشند. آنها کوشیده اند و میکوشند ریشه های اصلی ستمکشیدگی زن و عوامل اقتصادی و

از زمانیکه روز ۸ مارس بعنوان روز جهانی همبستگی با مبارزات زنان اعلام شد، مبارزات زنان پیشرو در طول بیش از یک قرن در کشورهای مختلف جهان تاکنون توانسته است توجه نیروهای اجتماعی وسیعی را به موضوع ستم بر زنان معطوف و آنها را به صفوف مبارزین علیه ستم جنسی جلب نماید. درعین حال ارتقای سطح آگاهی و پیشرفت مبارزه بر علیه ستم جنسی در روند خود این واقعیت را نیز آشکار کرده است که نیروهای سیاسی و اجتماعی مختلف از جایگاه طبقاتی و منافع خود به مبارزه برای رهایی زن نگر بسته و برنامه و سیاست های خود در این زمینه را در راستای منافع طبقاتی خویش تنظیم میکنند. از این رو جنبش زنان نیز مثل سایر جنبشهای اجتماعی و سیاسی دارای جهت گیریها و برنامه های متفاوتی است.

→ کمونیست فدائی جان خود را در این راه فدا کردند و طی نزدیک به سه دهه حاکمیت رژیم اسلامی صدها تن از زنان مبارز چه در صفوف سازمان ما و چه در سایر سازمانهای انقلابی جان خود را در راه آزادی و سوسیالیسم فدا کردند که مبارزه برای رهایی از ستم جنسی و بهره‌وری زنان نیز یکی از اجزاء مهم و مکمل آن بوده است. هیچگاه مبارزه علیه ستم جنسی در مبارزات کمونیستهای ایران در یک صد سال اخیر به بوته فراموشی سپرده نشده است و آنها همیشه و همواره منادی رفع همه گونه ستم از جمله ستم جنسی بوده‌اند. و این حکومت‌ها با پشتیبانی امپریالیستها و طبقات دارای ایران بوده و هستند که با اعمال ددمنشانه‌ترین شیوه‌های سرکوب، مانع آگاهی و آزادی و برابری زنان و رفع ستم جنسی هستند.

سه دهه است که حکومت اسلامی سنت‌های ارتجاعی و مردسالارانه و ضد زن را بصورت قانون برمقدرات مردم حاکم نموده است. و در حالیکه اشاعه فرهنگ زن ستیزی و خرافه پرستی به یکی از ابزارهای تحمیق و سرکوب رژیم و طبقه سرمایه دار حامی آن در آمده است. مبارزه برای تحقق خواست‌ها و مطالبات زنان به یکی از مبرمترین نیازها و مهمترین مسائل دموکراتیک جنبش انقلابی ایران تبدیل شده است.

ابعاد آن به بخش مهمی از مبارزه خود برای برانداختن نظم کهن و برقراری نظم نوین سوسیالیستی تبدیل کنیم.

در این رابطه وظیفه سنگینی بردوش زنان کمونیست قرار دارد که درعین حال که بعنوان یک انسان کمونیست برای محو نظام سرمایه داری و تمامی تبعات آن مبارزه میکنند موظفند به همراه آن بر علیه نظام دیر پای و جان سخت مرد سالاری و سنت‌های ارتجاعی مذهبی و فرهنگ و رفتارهای به جای مانده از دوران کهن در جامعه و میان زنان و مردان به پاخاسته و نیز مردان هم‌زم



بنا بر این سازماندهی و کمک به سازمانیابی این نیروهای اجتماعی بویژه اختصاص بخشی از نیرو و توان در راستای خدمت به جنبش دموکراتیک زنان از جمله وظایف کمونیستها در شرایط کنونی محسوب میشود.

## زنانت و مردان مبارز و آزادیخواه

در یک صدمین سالروز هشتم مارس، عزم مان را برای نابودی ستم جنسی، مبارزه بر علیه سنت‌های زن ستیز و خشونت‌های ناموسی، تبعیض و بی حقوقی زنان و سرانجام سرنگونی ارتجاع حاکم جزم کنیم که با زور سرنیزه و کشتار و سرکوب و به قانون تبدیل کردن ارتجاعی ترین و زن ستیز ترین سنت‌ها و روش‌های کهنه و پوسیده عامل اصلی بی حقوقی و ستمکشیدگی زنان جامعه ما است. و به کوششهای زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب جامعه که برغم فراز و فرودها و سرکوبگریهای ددمنشانه رژیم به مبارزه و مقاومت خود ادامه میدهند، ارج نهیم.

بدینوسیله یکصدمین سالگرد ۸ مارس روز جهانی زن را به همه زنان و مردانی که در راه رفع هر نوع ستم و استثمار و تبعیض جنسی و سنت‌های ارتجاعی مرد سالار و زن ستیز مبارزه میکنند، شادباش میگوئیم و برای زنان جهان در رهایی از ستم جنسی و سنت‌های ارتجاعی مردسالار آرزوی پیروزی مینمائیم.

## سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

۱۵ اسفند ۱۳۸۶ ۶ مارس ۲۰۰۸

خود را پایه پای خویش به تغییر در روش‌ها و بینش‌ها و عادات کهن یاری رسانند.

درعین حال در نظر گرفتن این که تمامی ستم‌های عارض بر جامعه در گرو نابودی نظام طبقاتی و بهره‌کشی انسان از انسان است نباید این واقعیت را به بوته فراموشی بسپارد که هر نوع ستمی مبارزه ستمکشان را علیه خود آن ستم نیز برمی‌انگیزد. از این روست که مبارزه علیه ستم ملی، نژادی و جنسی از جمله جنبشهای اجتماعی محسوب میشوند.

موقعیت زنان در انقلابات گذشته و نیز تجربه قیام ۵۷ و نتایج حاصل از آن در رابطه با حقوق زنان بما می‌آموزد که در کنار پیشبرد مبارزه طبقاتی و خواست سرنگونی و نفی نظام طبقاتی موجود، میباید بدلیل اقتصادی، سیاسی و فرهنگی خود را نیز تبلیغ و ترویج کنیم و از همان ابتدا روشن و واضح معیارها و ارزش‌های نوین سوسیالیستی را به میان توده‌های مردم بویژه زنان ببریم. مبارزه مداوم و وقفه ناپذیر سیاسی و فرهنگی با مردسالاری و ستم جنسی را در تمامی

## به استقبال ۸ مارس میرویم

عرصه مقاومت و ایستادگی بدل کرده و نشان دادند نه سر عقب نشینی دارند و نه با رژیم کنار خواهند آمد.

غلط و نابخردانه دسته و یا جناحی از حاکمیت است و لاجرم برای پاسخگویی و حل آن با دست به دامن شدن به طرح یکسری تعدیلات و یک رشته تغییرات در قانونمندیها قضایی و حقوقی در همین چارچوب نظام حاکم، مدعی آیند که



### عکس از تظاهرات ۸ مارس ۲۰۰۷ کارزار زنان، گیسو شاکری هنرمند مترقی

میشود مسئله زنان را با این اصلاحات مختومه اعلام کرد. اگر تنها یک درس از تجارب گذشته و تاریخ آموخته باشیم، این است که مماشات با این گرایشات راست و رفرمیست به بهانه اتحاد عمل و اشتراک مطالبات دموکراتیک هزینه ای به بهای اگر نه به شکست و به بیراهه کشاندن؛ دستکم به حاشیه راندن مبارزات دموکراتیک که باید به رهبری چپ رادیکال و در کنار جنبش کارگری تعریف میشد؛ داده است. جنبش زنان یکی از عرصه های مبارزه طبقاتی است که اگر چه مضمونی دموکراتیک دارد ولی بدون مرتبط بودن با بدنه اصلی جنبش اجتماعی- مبارزات کارگری- نه تنها به ثمر نمیرسد بلکه قادر به حفظ

ولیکن این واقعیت به معنای آن نیست که تمامی طیفها و گرایشات موجود در این جنبش همه در تمامی اهداف، شعارها و مطالبات زنان همسو بوده و یا تمایل و توان زیر سؤال بردن کلیت رژیم را دارند. این طیف که از رفرمیستهای اسلامی تا فمینیستهای لیبرال و سوسیال دموکرات را در بر میگیرد عمدتاً ستم جنسی را نه محصول یک مناسبات نابرابر و طبقاتی و جزیی از مکانیسم یک سیستم سرکوبگر، بلکه به عنوان یک پدیده انتزاعی و در خود قلمداد میکنند که حاصل سیاستهای

علیرغم اینکه رژیم زن-ستیز اسلامی ایران هر ساله با توسل به نیروهای انتظامی، تلاش در متوقف کردن برگزاری ۸ مارس داشته و آشکارا به اجتماعات بر پاشده و حشیانه حمله برده، ما شاهد قدرتمندی زنان در این روز و اثبات حضور آنان در صحنه مبارزاتی علیه تعرضات ارتجاعی رژیم بوده ایم. سال گذشته فعالین جنبش و آزادخواهان مبارز خیابان را به



و ابقای دستاوردهای اندکی که از قبل مبارزات این جنبش بدست آمده، هم نیست. جنبش زنان مطالبات مستقل خود را دارد و حول این مطالبات و شعارهای مستقل سازمان یافته است ولی نباید به این واقعیت که بیحقوقی زنان بخشی از یک ستمگری طبقاتی است و موجودیت این جنبش و موضوعیت مطالباتش باید در زمینه و متن طبقاتی اش ارزیابی شود، بی اعتنا ماند. ۸ مارس سنتا نماد مبارزه جهانی زنان علیه نابرابری و بی حقوقی و بر خاسته از جنبش زنان کارگر است، باید تلاش کرد که ۸ مارس امسال معرف چنین مضمونی باشد و در مقابله با مصادره این روز توسط رفرمیستها و اصلاح طلبان با هرچه گسترده تر کردن مطالبات و خواسته های زنان با دیگر جنبشهای جاری-جنبش کارگران، دانشجویان، معلمین، خلقهای تحت ستم - ایستادگی کرد.

هنوز بسیاری از دانشجویان دستگیر شده در ۱۶ آذر در کنج شکنجه گاههای رژیم بسر میبرند. اسانلو و محمود صالحی هنوز در بندند. توده های بسیاری قربانی نبود سوخت و وسایل گرمایی شده اند، گرانی، بیکاری، فقر، اعتیاد و... تنها گوشه هایی از فلاکت و مصیبت مستمری است که ره آورد! رژیم حافظ سرمایه داری است، و طبق ادوار نیوز همین امروز - یک شنبه ۷ بهمن - رژیم که با موج بگیر و ببندها و ضرب و شتم فعالین ۱۶ آذرتوانسته که این جنبش را تسلیم و مرعوب کند مذبوحانه اوباش یگانهای ویژه ضد شورشش را برای سرکوب اعتراضات و تجمعات دانشجویان که همچنان ادامه داشته گسیل کرده و بسیاری از این فعالین را مجروح و روانه اورژانس کرده است. زنان تحت ستم ایران از درون این جامعه آمده و خود کارگر استثمار شده، دانشجوی سرکوب شده و محروم از تحصیل ویا همسر، خواهر و مادر این مبارزین و فعالین هستند، متعلق به این طبقه و اقشار زحمتکشند؛ این زنان از کره مریخ نیامده اند، این زنان همینانند که هر روزه باید با این مصائب دست و پنجه نرم کنند. حالا چگونه است که مدافعان صف مستقل زنان و طراحان " فقط مطالبات دموکراتیک زنان" از زنان میخواهند که جنبششان را با اهداف سیاسی نیامیخته و آسوده خاطری رژیم را از بابت اینکه اینان سر سرنگونی رژیم و ضدیت با کلیت این رژیم را نداشته، فراهم کنند

و اصلاً به زنان چه که محمود صالحی، اسانلو، گرایلو، کریمی زاده، توانچه و قضایی و دهها مبارز آزادیخواه دیگر هنوز تحت شکنجه های رژیم هستند و یا فردا پس فردا احتمالاً چند زندانی دیگر خودکشی میشوند و یا مشکوکانه جانشان را از دست میدهند، و مدعی ایند که زنان باید که مستقل بمانند که ستمگریهای دیگر " انشاءاله که گربه است"!!!.

*این گرایشات که هنوز با کمپین یک میلیون امضاء و بار کردن آتش نداری و دست به دامن ائمه و اطهار آسمانی مشغول فروش توهم به زنان ستمدیده هستند، تلاش دارند که ۸ مارس را به صحنه نمایشی " بخدا ما هدف و منظور سیاسی نداریم و..." و چانه زدن با رژیم بر سر مدل ماتن و رنگ روسری تبدیل کنند. فعالین چپ جنبش زنان الزاما باید از دورنما و منظر سرنگونی رژیم و انهدام سرمایه داری به مطالبات و مبارزات دموکراتیک زنان بنگرند و در جهت نزدیکتر کردن این جنبش به مبارزات کارگری و دخالت دادن هر چه وسیعتر زنان کارگر در این جنبش بکوشند، که بقای این جنبش در گرو آنست، وگرنه دستاوردهای کم عمر و پیروزیهای کوتاه مدت ضامن اعتلای این جنبش نخواهد شد.*

**۸ مارس باید فریاد زنان و مردانی باشد که خواهان رفع ستم جنسی، آزادی بی قید و شرط فعالین کارگری و دانشجویی و دیگر زندانیان سیاسی باشد.**

**در تدارک ۸ مارس باشیم که صدای کیفر خواست زنان تحت ستم علیه رژیم جنایتکار و مناسبات سرمایه داری حاکمش باشد.**

**گرامی با د ۸ مارس سرخ**

نوشین شفاهی

## بیر لشمیش کمونیست فدائیلہ رین

### آذربایجان ایالتی کمیته سی



## مارس اینین سگیزینین یوزیمینجی نیل دویمی مناسبتینه

مارس اینین سگیزینین یوز ایلمینجی دونومی گونیدی.

آزادلیخ و برابرلیک یولوندا چالیشان اینسانلار حاضرلاشیلار کی بوگوننی دنیا بویوندا جشن توتوب و قادینلارین جنسی ستم علییهنه مبارزسینده اونلارینان دنیا سطحینده نوز علاقہ لرین و بیرلیکلرین نشان ورسین لر. بو یوز نیل عرضینده بتو آزاد لیخ و برابرلیک یولوندا مبارزه ائدن کیشی و قادینلارین تلاشلارینین سایه سینده میلیونلار قادین نوز حقوق لاریلا آشنا اولوب و ارتیق ستم و مرتجع کیشی سالار سنت لريله علییهنه مبارزیه ال وروبلا. دیمک اولار کی قادین اجتماعی حرکتلری ده آیری بیر اجتماعی حرکتلر کیمی هانسی طبقه و قشر منفعتیندن اونا باخاسان اونا گوره ده مختلف دوشونجه لر و پروگراملارو باخیشلار بو حرکتین ایچینده نوز دوشونجه لرینی داغیدماقدادیلار. آنجاخ کی بورژوالار و مرتجع گروه لار قادین حقوقلارینا گله نده بیر حسه باشی دیبی کسلیمیش حقوقدان چوخ قاباقا گتمیلر. نیش حقی، رای حقی و نوزنگلیک.

تازا بونلار آنجاخ پارلمانتاریالاریندا تصویب اولاندان سونرا اون لار نیل چکدی تا اکتبر انقلابیندن سونرا و چوخ خالق حرکتیندن سونرا بیر پاراسی نا عمل اولدی. آذربایجان و ایران حدودیندا دا دیمک نولارکی بو یوز نیلین عرضینده چوخ بویوک حرکتلر و چالیشمالار انسان حقوقلارینین یولوندا و اونان باشقا قادین حقوق لارین اله گتری مک اوچون باش وریب.

۲۰ مینجی عصرین اول لرینه جه ایران قادینلاری بتو نوز حقوقلاریندان محروم و حتی اونلارا یازیب و اوخماق بیر بویوک جرم مجسوب اولوردی. قادینلارین مخصوصا آذربایجاندا مشروطه انقلابیندا مشارکت نله مگینن امید وارلاریدی کی بیر پارا حقوقلارینی اله گتیرسینلر. اما نه آذربایجان و نه ده ایرانین

و فرهنگی و جنسی حقوقلارینان، اوشاقلارین حیاتی نین قوروماسی و خوشبخت گله جه بین تامين انديلمه سی، آذربایجاندا زور، ستم و استثمارا سون قویماق اوغروندا داهای فعال مبارزه آپارماغا ال وورمالیوخ.

ستم، تعصب، جنسی، تهدیدلر واهانتلر و تبعیضلر، مذهب و تعصب اوزونده و تمام ظلم و ستم استثمار علییهنه و آزادلیخ برابرلیکه ال تاپیخ اوچون بیرلشیب و نوز سرنویشتیمیزی اله الماق اوچون ایغا قالخمالیخ .

بیرلشمیش کمونیست فدائیلرین آذربایجان ایالتی کمیته سی ۸ مارسین یوزیمینجی نیل دویمی مناسبتینه تمام آذربایجان انقلابی و مبارز اینسانلارینا تبریک ئدیر و نونلارین ظلم و ستم علییهنه آپاران مبارزه ده غلبه آرزو ئدیلر.

آیری حسسه لرینده بو حقوقلاردان بیر خبر اولمادی. آنجاخکی قادین حقوقلاری آذربایجان ۲۱ آذر نهضتین نتیجه سینده برقرار نولوب و ایرانین آیری شهرلرینده قادینلارین ایلیشندا بیر چوخ تاثیر قویموشدی. ۲۱ آذر نهضتی قادینلارین دا حیاتینا جدی تاثیر گؤستریمیش و ایراندا بیرینجی دفعه اولاراق قادینلاری اجتماعی حیاتا جلب ائتمیش میشدیر.

قید ائتمک لازیمدی کی " آذربایجان قادینلار تشکیلاتی ۱۹۴۵- جی ایل، دئسامبرین ۲۶- دا تشکیل ائدیلدی. ۱۹۴۶- جی ایل ژوئیه نین ۴-ده قادینلار تشکیلاتی نین ۶۰۰ نفرعضوی نین اشتراکی ایله گنجیش اجلاس چاغیریلدی. اما تاسفيله ایران ارتجاسی و اونا یاردیم امپریالیستلر بيله بیر انکشافی آذربایجاندا نوز منفعتلرینه قاریشی گوروب و محلی ارتجاعيله ال بیر نولوب و نهایت بو بویوک نهضته غلبه چاتاندان سونرا تمام دموکراتیک و اجتماعی حقوقلار و همیده قادینلارین اله گندیگی حقوقلار بتولیهجه محوو نابود اولدولار.

ایندی آنجاخ کی ایراندا ارتجاسی اسلامی حکومتین سرنیزه سی ائتیندا و بویوک وارلیلارین منفعتینه باغلی اولان ستم و کهنه فکیرلیک و قدیم دوشونجه لر وقادین حقوقلارینا قارشی حرکت لر اشاعه وریلیر و باشقا اونلاری قانونا تبدیل نئمگینن قادینلاری بوتون اجتماعی ویشری حقوقلاردان محروم ائدیب لر. اونا گوره قادین حقوقلاریندان مدافعه نئمک آیری بیر ظلم و ملی ستم و استثمار علییهنه مبارزه و بونلاردان باشقا، بو ارتجاسی و مذهبی و قادینلار قارشی حکومتی ووروب داغیدیب بیره سالماقینا محکم و تاریخی باغلیلیخ وار. علاوه بونلار دان گرک کی نوز نئمیزده و ایشیمیزده و مدرسه میزده و هر بیرده کی واروخ بو ستم و ارتجاسی سنت لرین مبارزه نده ک.

یاددان چیخارتمییاخ کی، نوزون انقلابی مبارزیه مالک اولان آذربایجان قادینلارینین حرکتاتی اوزون تاریخه مالکدیر. بیر نمونه اوچون دیمه لیک کی یوزله رجه ازاد و شجاعتملی، طاهره قرت العین، پروین اعتصامی و مرضیه احمدی اسکو کیمسه انسانلار قادین حقلرینین یولوندا مبارزیه ال ویریپ و بویولدا جانان و مالدان گچیلر. تاریخ آذربایجان قادینلارینین انقلابی حرکتین هیچ وقت نونودمیاجاخ .

ایندی ۸ مارسین یوزیمینجی نیل دویمینده دئمه لیریک کی، بیزلره بویوک وظیفه دیر آذربایجان قادینلارینین اقتصادی، سیاسی و اجتماعی

## محو اولسون ارتجاع

## یاشاسین ۸ مارس

## یاشاسین سوسیالیسم

بیرلشمیش کمونیست فدائیلرین آذربایجان ایالتی کمیته سی

۱۴ اسفند ۱۳۸۶

۷ مارس ۲۰۰۸



شعری از رفیق مرضیه احمد اسکویی

زنی که از آغاز با پای برهنه

من از روستاهای کوچک شمالم  
زنی که از آغاز در شالیزارها و  
مزارع

عطش تند زمین را در پی قطره ای  
آب درنوردیده است

زنی که از آغاز با پای برهنه

تا نهایت توان گام زده است  
من یک زنم

همراه با گاو لاغراش در خرمن گاه

از طلوع تا غروب

کارگری که دست های اش

از شام تا بام، سنگینی رنج را  
لمس کرده است

ماشین عظیم کارخانه را  
به حرکت درمی آورد

من یک زن ام

افتخارا!

من مادرم

من خواهرم

من همسری صادق ام

من یک زنم

زنی از دهکوره های مرده ی جنوب

زنی که از آغاز

با پای برهنه

دویده است سرتاسر خاک تف کرده  
ی دشت ها را

من از روستاهای کوچک شمال ام

زنی که از آغاز

در شالی زار و مزارع چای

تا نهایت توان گام زده است

من از ویرانه های دور شرقم

از ایلات آواره ی دشت ها و کوه  
ها

زنی که کودک اش را در کوه به دنیا  
می آورد

و بزاش را در پهنه ی دشت از دست  
میدهد

و به عزا می نشیند

من مادرم

من خواهرم

من همسری صادقم

من یک زنم

زنی از ده کوره های مرده ی جنوب

زنی که از آغاز با پای برهنه

سراسر این خاک تب کرده را

درنوردیده است

که از عصاره ی جان اش

پرورتر می شود لاشه ی خوانخوار

از تباهی خون اش

افزونتر می شود سود سرمایه دار

زنی که مرادف مفهوم اش

در هیچ جای فرهنگ ننگ آلود شما

وجود ندارد

دست های اش سفید

قامت اش ظریف

ادامه در صفحه ۸

که پوست اش لطیف  
 و گیسوان اش عطر آگین باشد  
 من یک زنم  
 با دست هایی که از تیغ تیز درد  
 و رنج ها  
 زخم ها دارد  
 زنی که قامت اش از نهایت بی  
 شرمی شما  
 در زیر کار توان فرسا  
 آسان شکسته است  
 زنی که در سینه اش  
 دلی آکنده از زخم های چرکین  
 خشم است  
 زنی که در چشمان اش  
 انعکاس گل رنگ گلوله های  
 آزادی  
 موج می زند  
 من یک زن ام  
 زنی که مرادف مفهوم اش  
 در هیچ جای فرهنگ ننگ آلود  
 شما  
 وجود ندارد  
 زنی که پوست اش  
 آینه ی آفتاب کویر است

و گیسوان اش بوی دود می دهد  
 تمام قامت من  
 نقش رنج و  
 پیکرام تجسم کینه است  
 زنی که دستان اش را کار  
 برای سلاح پروده است.  
 من زنی آزاده ام  
 زنی که از آغاز

پابه پای رفیق و برادر ام  
 دشت ها را درنوردیده است  
 زنی که پرورده است  
 بازوی نیرومند کارگر  
 دستان نیرومند برزگر  
 من خود کارگر!  
 من خود برزگر!

## کار کمونیستی

زیر نظر شورای مرکزی سازمان اتحاد فدائیان کمونیست  
منتشر میشود.

فاکس اتحاد فدائیان کمونیست  
+۶۶۱ ۳۱۷۷۹۲۵۷۱

سایت سازمان در اینترنت

[www.fedayi.org](http://www.fedayi.org)

روابط عمومی

[webmaster@fedayi.org](mailto:webmaster@fedayi.org)

شورای مرکزی

[centralconcil@fedayi.org](mailto:centralconcil@fedayi.org)

نشریه کار کمونیستی

[kar@fedayi.org](mailto:kar@fedayi.org)

کمیته کردستان

[kurdistan@fedayi.org](mailto:kurdistan@fedayi.org)

کمیته آذربایجان

[azer@fedayi.org](mailto:azer@fedayi.org)

امور پناهندگی

[panahjo@fedayi.org](mailto:panahjo@fedayi.org)